

معدن کاوی و معدنکاری تبزده در کوهستان‌های پاریز!

حسام الدین اسلاملو

گزارش

در کوه‌های این منطقه، حکایت از انفجار مهمات معدنی دارد. گویا قرار است حکایت این منطقه هم همانند حکایت دره‌زار شود. پس از صدور مجوز فعالیت از سوی ادارات مربوطه، سپس مسوولان در صدد رسیدگی به شکایات برمی‌آیند و هر بار در هر دادگاه محکوم می‌شوند رأی به نفع معدن کاران صادر و معدنکاران غیربومی با ریشخند به جریزه‌ی مسوولان شهرستان، به بردن خاک و کویری کردن جنگل‌های این منطقه‌ی کویری، ادامه می‌دهند.

حال باید دید که این مجوزها از سوی کدام ادارات صادر شده است و آیا در صدور مجوز برای فعالیت معدنکاران، نیاز به تاییدیه‌ی اداره‌ی محیط زیست شهرستان هم بوده و اگر محیط زیست مجوزی را تایید کرده، آیا پیش‌بینی برای دفع پساب معدن در صورت ادامه‌ی کار در نظر گرفته است. و سوال بعدی از اداره‌ی منابع طبیعی‌ست که با وجود تجربه‌ی معادنی چون دره‌زار و مشکلاتی که به وجود آورده، چرا با مجوز این معدن، موافقت کرده است. در سال‌های اخیر یک معدنکار با نام مشخص، حدوداً برای یک هکتار از اراضی فاقد پوشش جنگلی این منطقه مجوز گرفت برای انجام فعالیت معدنی. یعنی دو تا، نیم هکتار. اما چند سال پیش مشاهده شد که این معدنکار، خارج از این یک هکتار فعالیت‌هایی انجام داده که بلافاصله اداره‌ی منابع طبیعی حکم قضایی علیه او گرفتند و وی را جریمه و برخورد قانونی صورت گرفت و کارشان متوقف گردید. اما سپس دوباره با پروانه‌ی بهره‌برداری، به میدان آمد و کارش را بدون هماهنگی با اداره‌ی منابع طبیعی و در سطح وسیع‌تری از سر گرفت!

یک سری قوانینی اداره‌ی صنعت و معدن برای خودشان دارند که می‌توانند بدون هماهنگی با اداره‌ی منابع طبیعی، پروانه بهره‌برداری در سطح بالاتری واگذار کند. اما هر معدنکاری، در هر محدوده معدنی بخواهد شروع به کار کند، باید از اداره‌ی صنعت و معدن از اداره‌ی محیط زیست استعلام کند. در مجوزی که برای این معدن صادر شده گاه هیچ گونه استعلامی از محیط زیست هم گرفته نشده است.

نزدیکترین پوشش جنگلی به شهرستان، از سمت شرقی منطقه پاریز است. جایی که وجود چشمه‌ای در پس هر کوه و تپه‌ای، طبیعتی بکر را پدید آورده، قنات‌هایی که منشا پدیدار شدن آبادی‌اند و باغ‌هایی از سیاه‌درخت و درختان گردو و بادام به وجود آورده. پوششی از درختان بنه، جنگل‌هایی را شکل داده‌اند که مأمنی برای زندگی جانوران و حیوانات وحشی شده است. خاکش هم حکم کیمیا پیدا کرده. به طوری که می‌توان گفت پاریزی‌ها بنیگذار صنعت مس ایران هستند. به همین دلیل، هرچند پاریز در محدوده‌ی سیرجان است اما شهرهای اطرافش، درصددند، هر قسمت از خاکش را به نام خود کنند و از خاکش به بهایی گزاف به نفع خود بهره‌برند. با تغییر نام کوه و زمین و آب و دره‌ها، آنجا را به نام خود می‌کنند. گویا روابط آن‌ها قوی‌تر از ضوابط شهر ما عمل کرده و در حال پیشروی از سمت مرزهای بین دو شهر هستند.

سنگش را معدنی کردند و معادن زیادی را به نام خود زدند. تراشیده شدن کوه‌ها، به بهانه‌ی معدنی بودن سنگش، تا همسطح شدن با پست‌ترین نقطه زمین و حتا عمیق‌تر از آن برای مسوولان شهر ما هم عادی شده است. و حالا معادن در حال پیشروی در این منطقه هستند تا جنگلی بودن این منطقه را از نقشه‌ی جغرافیایی پاک کنند و تبدیل به افسانه‌ها کنند. معدن مس دره‌زار، بعد از معدن مس سرچشمه، راه تخریب طبیعت بکر را پیش گرفت. پوشش گیاهی که رفته رفته رو به خشکی می‌رود و آب‌های اسیدی که از هر طرف روانه رودخانه‌ها و چشمه‌ها شده‌اند و جانوران و حیواناتی وحشی کم‌یابی که نایاب می‌شوند.

جلوتر از آن، ردپای معدنکاران دیگری بعد از معدن مس دره‌زار به نام معدن نوچون به چشم می‌خورد. معدن کاران به منطقه‌ای به نام «۱۷ چنار» رسیده‌اند. ۶۰ کیلومتری سیرجان است و یک سالی‌ست که اکتشافات معدنی، در این منطقه شدت گرفته، گودال‌هایی با عمقی بیش از ۱۰۰ متر

